

**MARVEL**

ANNUAL

**1**

BRISSON

GOMEZ

GURU-eFX

RATED T+

UNCANNY

X-MEN



دورنامه

dorrnaame.ir

کاری از: کیوان داوند

*[Handwritten signature]*



# UNCANNY X-MEN

آنها بصورت موجوداتی جهش یافته به دنیا آمدند... آنها نیروهایی مادرزادی داشتند که موجب طردشدگی آنها از جامعه می شد. ولی یک مرد-پروفسور چارلز ژاویر-آنها را یکجا جمع کرد تا از استعدادهای استثنایی آنها در مسیر خدمت به دنیایی که از آنها متنفر بود، استفاده کند... آنها فرزندان اتم بودند...



## بازگشت سایکلوپ

وقتی کیبل (Cable) جوان به زمان حال آمد تا سیر زمان را با فرستادن پنج ایکس من اصلی به زمان گذشته به حالت قبلی خود در آورد، با قساوت قلب خود مسن ترش را کشت! کیبل جوان با هیچیک از شخصیت های دیگر متحد نشد الا اسکات سامرز که بروشی اسرارآمیز احیاء شده بود و بنام سایکلوپ معروف بود.

**ED BRISSON**

Writer

**CARLOS GOMEZ**

Artist

**GURU-eFX**

Color Artist

**VC's JOE CARAMAGNA**

Letterer

**SALVADOR LARROCA &  
RACHELLE ROSENBERG**

Cover Artists

**EDUARD PETROVICH**

Variant Cover Artist

X-MEN CREATED BY  
**STAN LEE & JACK KIRBY**

**JEFF POWELL** TITLE PAGE DESIGN  
**CHRIS ROBINSON** ASSISTANT EDITOR  
**JORDAN D. WHITE** EDITOR  
**C.B. CEBULSKI** EDITOR IN CHIEF  
**JOE QUESADA** CHIEF CREATIVE OFFICER  
**DAN BUCKLEY** PRESIDENT  
**ALAN FINE** EXECUTIVE PRODUCER



© 2018 MARVEL. No similarity between any of the names, characters, persons, and/or institutions in this magazine with those of any living or dead person or institution is intended, and any such similarity which may exist is purely coincidental.





چند هفته  
پیش.



**RUMMMMMMMBLE**



SHRAAAAAAK



چطور...؟





# کمبریج، ماساچوست.

چند سال پیش.

نمی تونم باور کنم که تونستم از قصر بزنم بیرون و یه کم زمان برای خودم داشته باشم.

## یه قول داده شد.

مطمئن نیستم ولی یه چیزی داره منو به سمت کمبریج می کشه.

یه صدا منو داره به این سمت می کشه.

خدای من!

از سر راه من برو کنار احمق!

BUMP

هی!

خدای بزرگ!

اون چیز چیه؟!

هاه؟



GRAAAAAH!

THOOOM

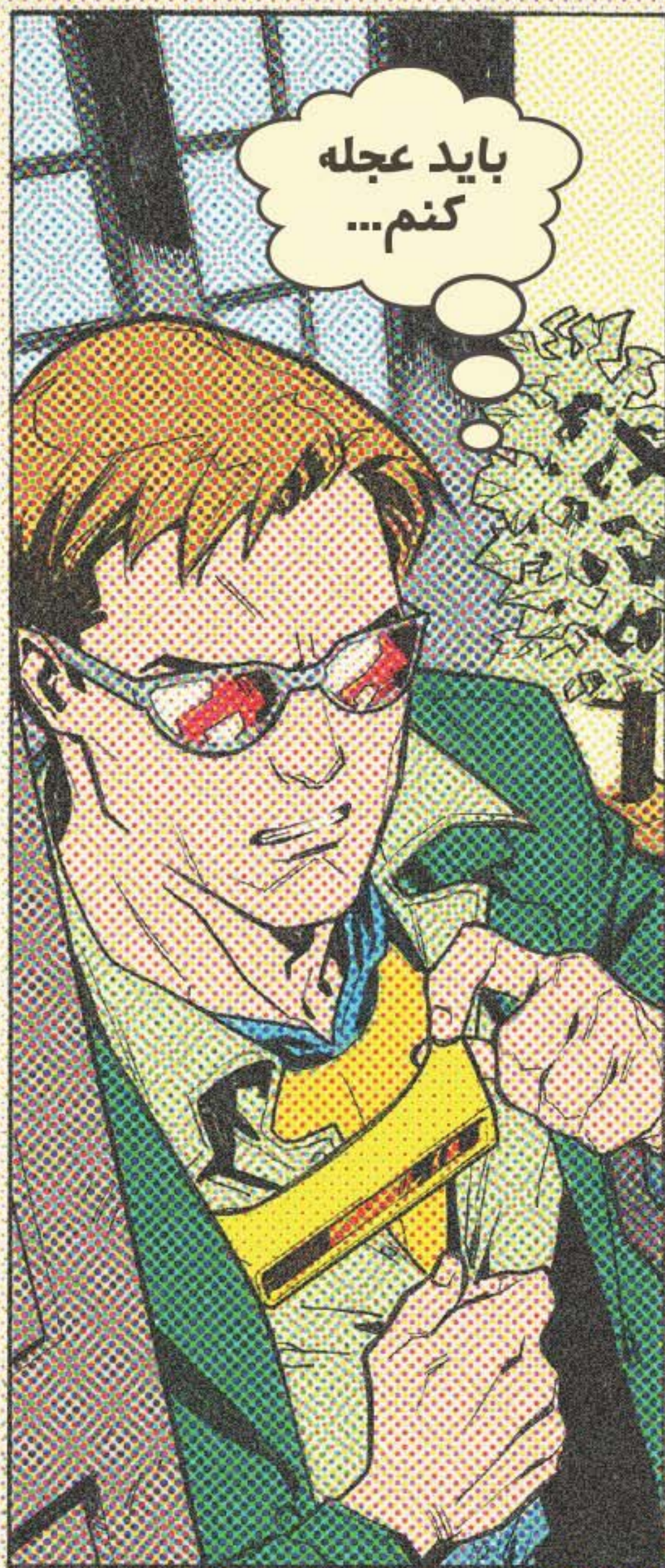
جونتونو  
نجات بدین!

هنوز چند  
نفر اون تو  
موندند!

خدای من.  
خدای من.

اون آدمها  
به کمک من  
نیاز دارند.





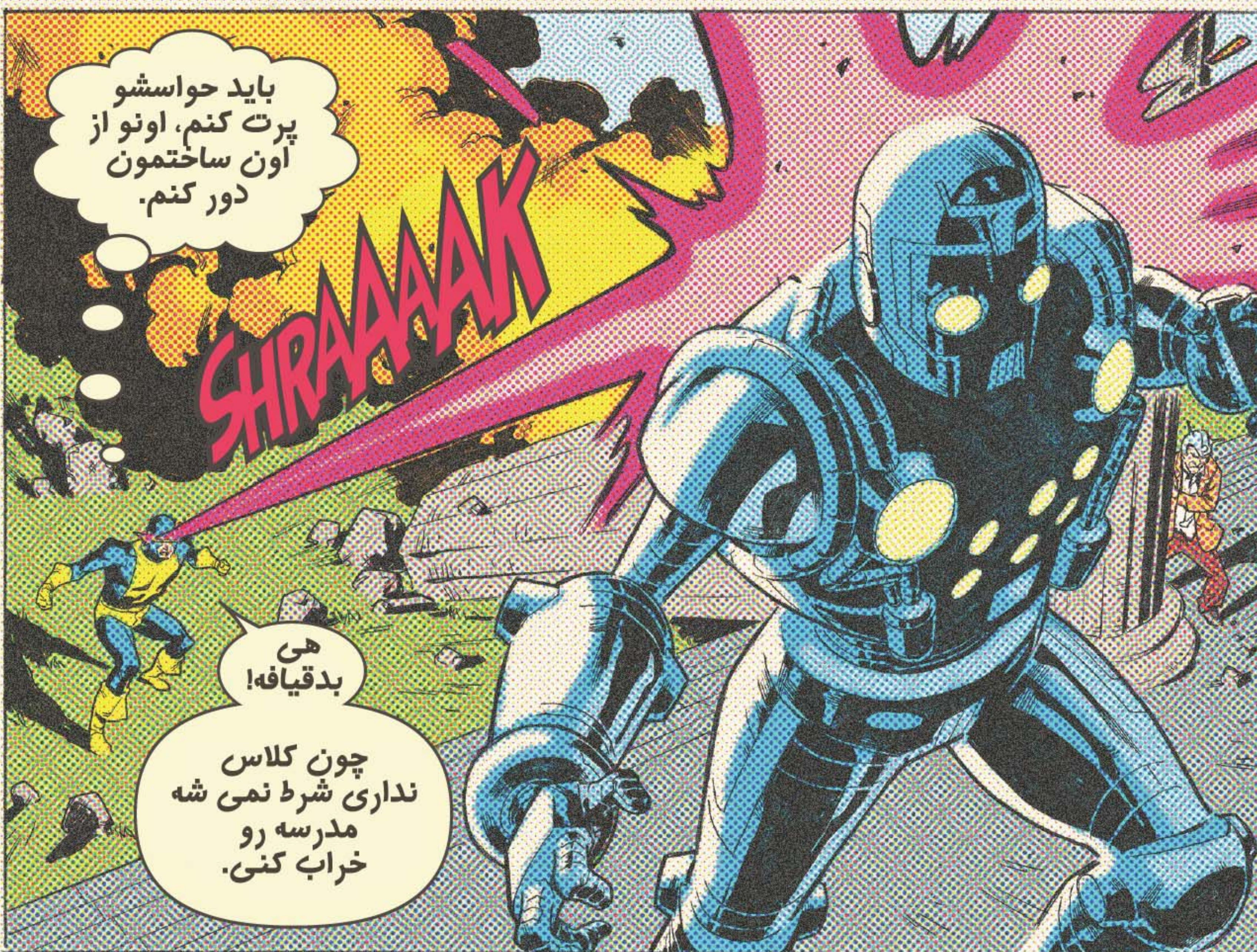
باید عجله  
کنم...



...قبل از اینکه  
اون هیولا مدرسه رو  
رو سرشون خراب  
کنه.

خواهش می کنم،  
اون هیولا داره به  
آزمایشگاه علوم  
حمله می کنه!  
مردم اون تو  
هستند!

نگران نباشید  
خانم. خودتونو به جای  
امن برسونید. من حتماً  
دوستان شما رو از  
اونجا سالم درمیارم..

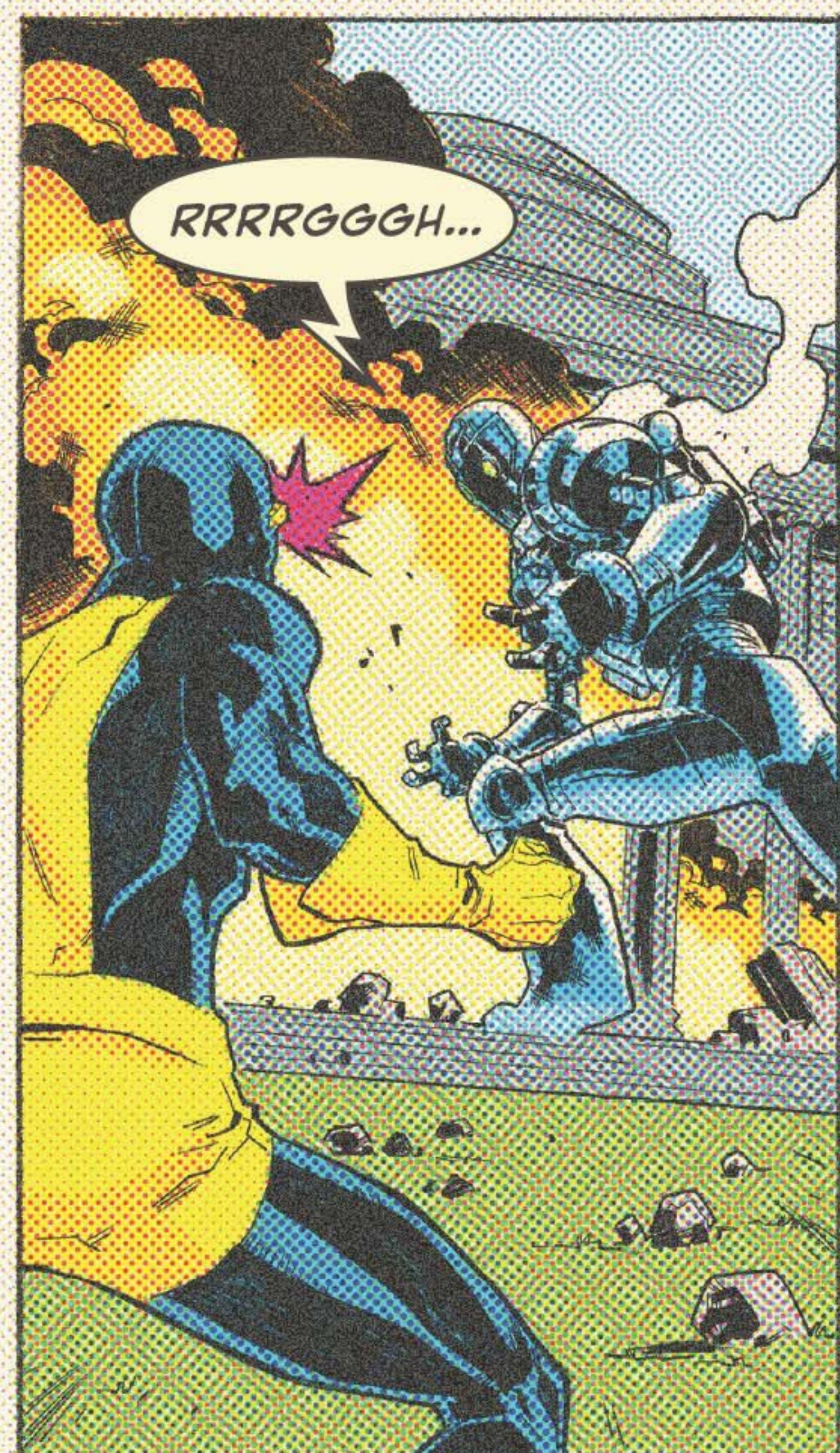


باید حواسشو  
پرت کنم، اونو از  
اون ساختمان  
دور کنم.

SHRAAAAK

هی  
بدقیافه!

چون کلاس  
نداری شرط نمی شه  
مدرسه رو  
خراب کنی.



RRRRGGGH...



این درسته  
بیا.

GRAAAAAH!



ته!  
اون جهش یافته  
می خواد شانس  
انتقام گیری منو  
ازم بگیره!



متوقفش  
کن استراگون!

پودرش  
کن!

اون  
مرد...





اون داره  
روبات رو  
کنترل می کنه.  
اگه بتونم  
اونو متوقف کنم  
جنگال می خوابه.



نزدیک بود.  
اگه این منو کتلت  
کنه نمی تونم کسی رو نجات بدم.



طرح بازیت  
اینجا چیه  
رفیق؟

من بهترین  
استاد اینجا بودم تا  
اینکه تصمیم گرفتند  
منو بندازن بیرون!



دانشجوها از ایده های  
بزرگ من می ترسیدند  
به همین دلیل مدیر  
رو مجبور کردند که  
منو اخراج کنه!

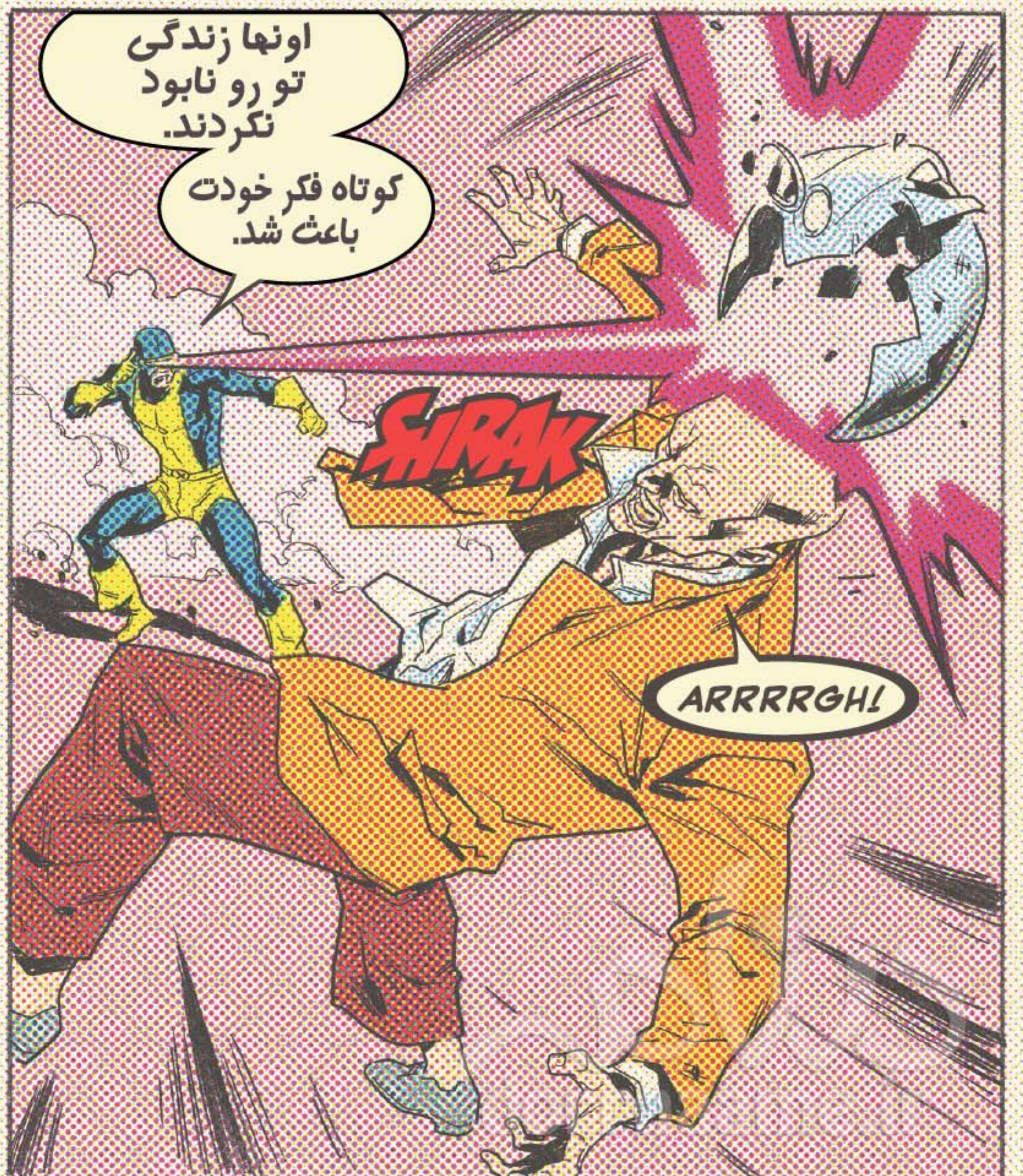
اونها زندگی  
منو نابود کردند!

اونها شغل منو  
و آزمایشگاه منو  
ازم گرفتند. اینجا تنها  
چیزهای مهم زندگی  
من بودند!



حالا نوبت منه که  
لطفه اونها رو جبران کنم.

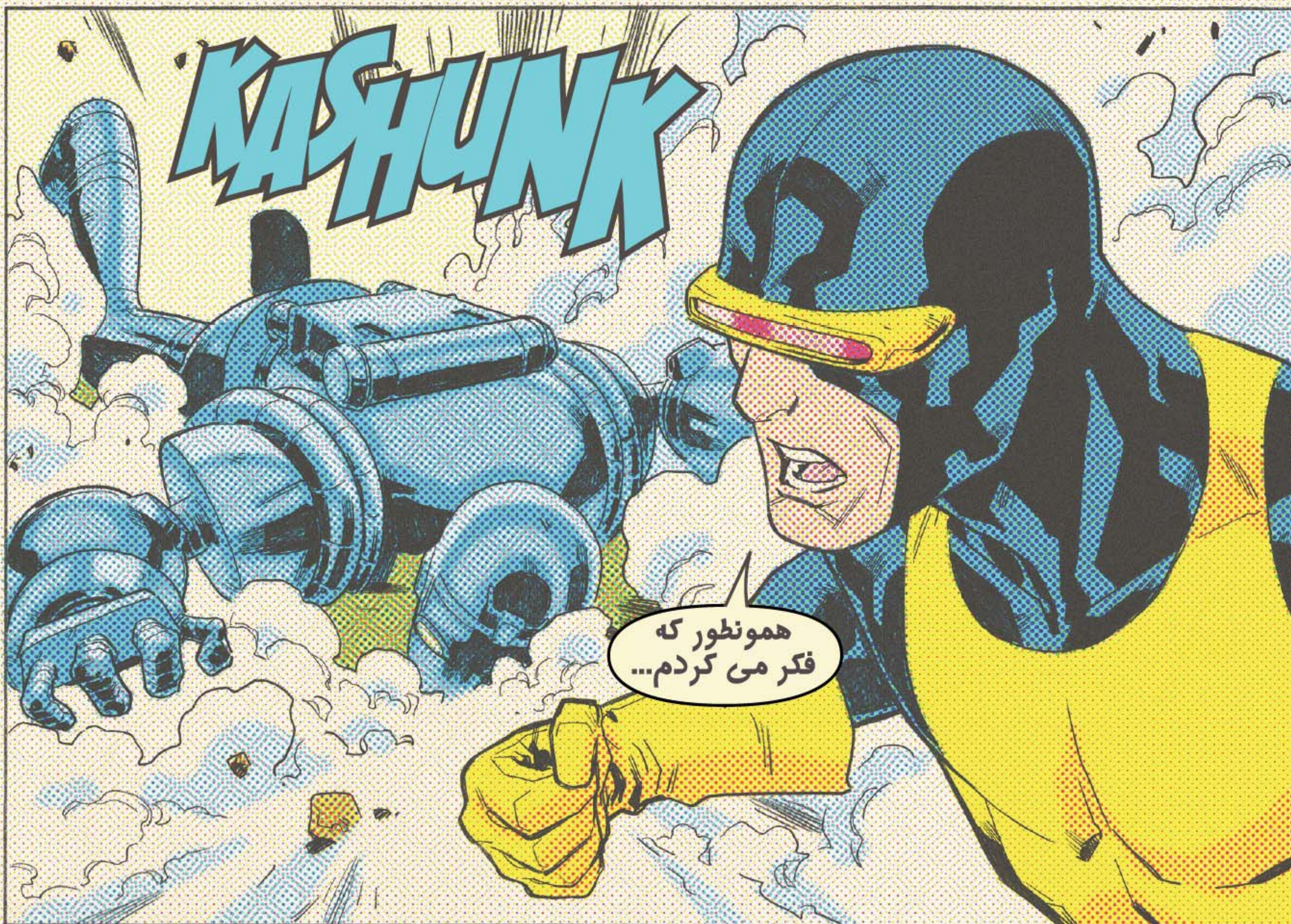
من زندگیشونو نابود  
می کنم همونطور  
که اونها منو نابود  
کردند!



اونها زندگی  
تو رو نابود  
نکردند.

کوتاه فکر خودت  
باعث شد.

ARRRRGH!

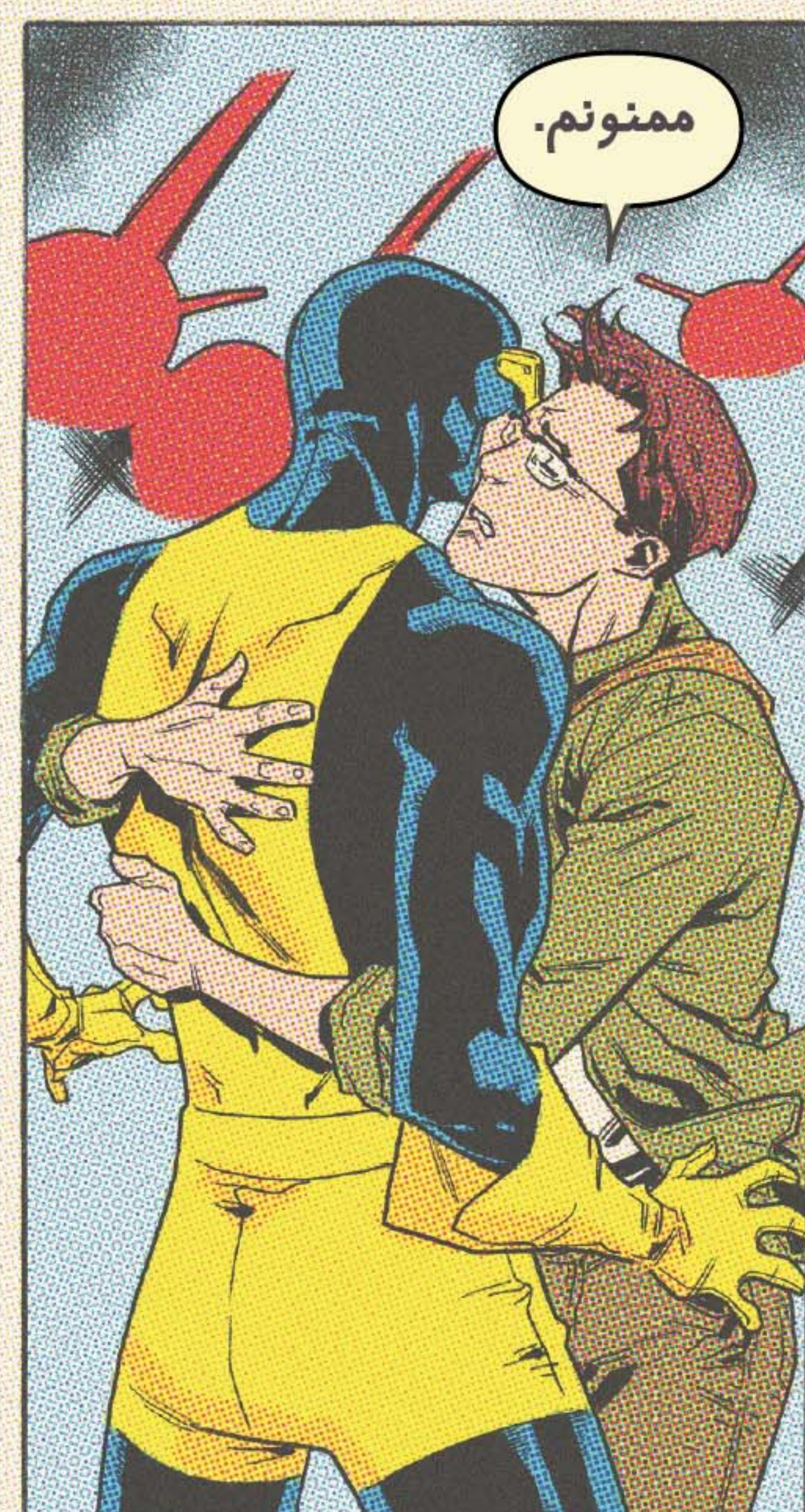


همونطور که  
فکر می کردم...



بدون کنترل او  
ربات چیزی جز یه  
مشت حلبی  
نیست.







بوستون، ماساچوست.

ده سال بعد.

"...بگو ببینم."

یک دین ادا می شود.







گوش کن... من زن و بچه دارم... هر چی می خواهی می تونی ورداری... باشه؟ فقط آسیبی به اونا نرسون.

ده سال پیش...

...سایکلوپ ها زندگی تو رو نجات دادند.

وقتشه که دینت رو به اونا ادا کنی.

چی... منظورت چیه؟

چطور... منظورم اینه که این چه ربطی می تونه با سایکلوپ ها داشته باشه؟

این یه ابزار فونیکسه یا بهتر بگم بقایای اون.

انتقام جویان اینو ساختند تا نیروهای فونیکس رو کنترل کنند.

این وسیله در رویارویی به این روز دراومد.

ازت می خوام یکی دیگه بسازی.

این به نظر خیلی پیچیده است و... خیلی از بخشهایش از بین رفته. چی باعث شده فکر کنی...؟

چون من می شناسمت پاول.

TOP OF YOUR CLASS AT M.I.T.

ONE OF TONY STARK'S SHARPEST EMPLOYEES.

I PICKED YOU FOR A REASON.

انتقام جویان سری. دوره اول شماره ۲۹.





محدود کردن  
قدرت  
فونیکس...

مگه می شه؟

نمی دونم.  
برام زیاد مهم  
هم نیست.



لازم نیست  
نیروی فونیکس  
تو این حبس  
بشه.

تنها چیزی که لازم  
دارم آینه که بخشی  
از نیروی فونیکس از  
اون بصورت آزاد به بیرون  
جریان پیدا کنه.

دو سال  
وقت داری تا یه  
راه براش پیدا  
کنی.



اوه.

یه کم  
هم کوچکتتر  
باید بشه.

چقدر کوچکتتر؟



اینقدر.



دو سال دیگه  
می بینمت.

بعد بی حساب  
می شیم.

صبر کن!  
این امکان پذیر  
نیست...



عالی شد.



# اولین باری که اسکات سامرز مرد.

جزیره  
هویر.

دو سال  
بعد.

زندگی به عنوان  
یه جهش یافته گاهی اوقات  
به معنی نبرد پیوسته برای  
گونه خودمونه تا بتونیم  
در برابر شرایط بعید  
خودمونو حفظ کنیم.\*

\*اطلاعات بیشتر در مرگ X.

اون...  
واقعا مرده.

آره.

اون...

می دونم که  
اخیراً...مردم ازش متنفر  
شده بودند و...اونم  
راهشو گم کرده بود.  
ولی...

...همیشه  
براش امیدوار  
بودم.

امیدوار بودم  
به شکلی عقلش بیدار  
سرجاش. که یادش بیدار  
کی بوده.

که یه روز  
از خواب بلند شم و  
ببینم همون کسی شده  
که تو دانشگاه زندگی  
منو نجات داد.

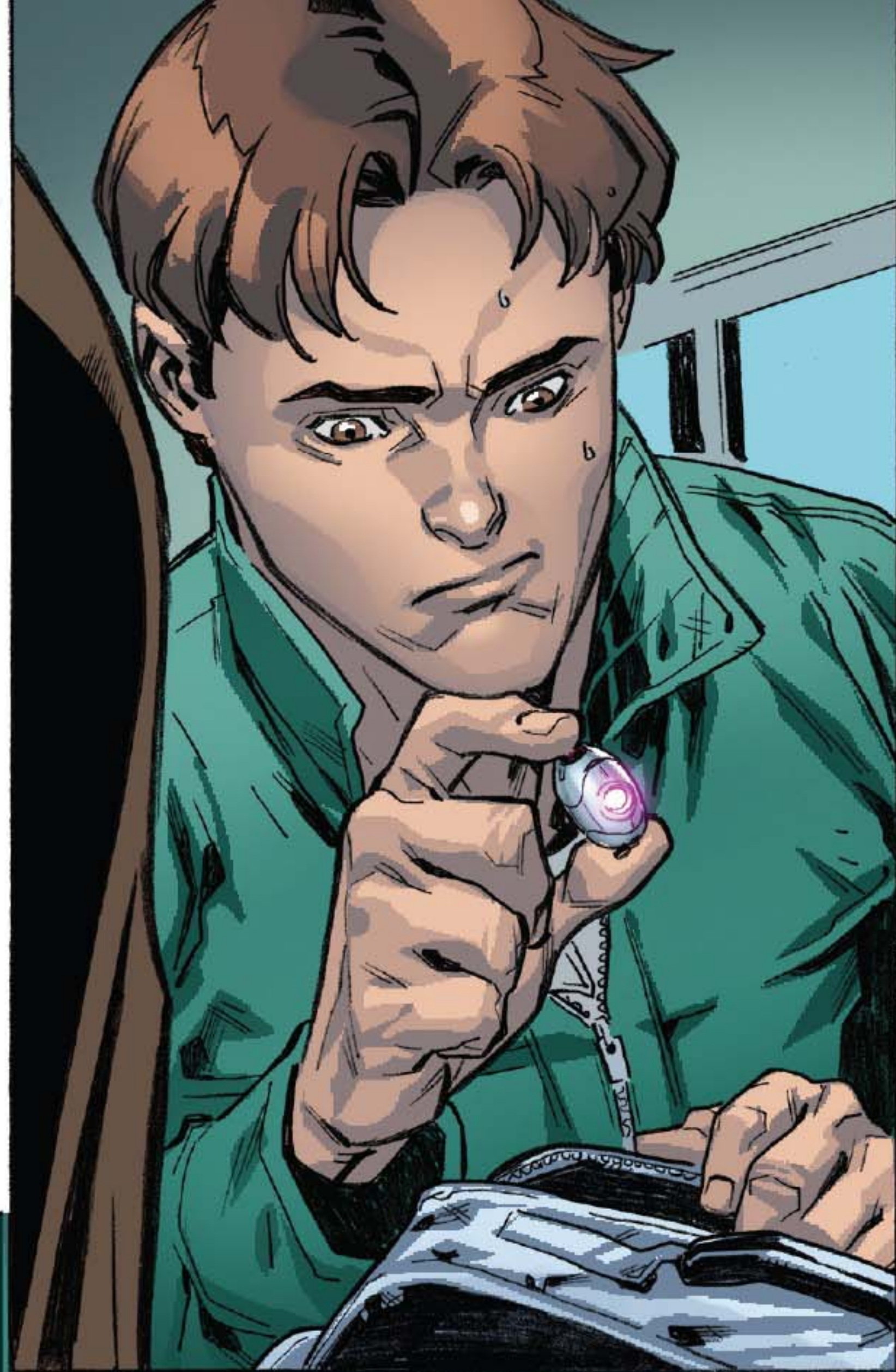
ما وقت  
زیادی نداریم.

تقسیم بدن  
به دو.











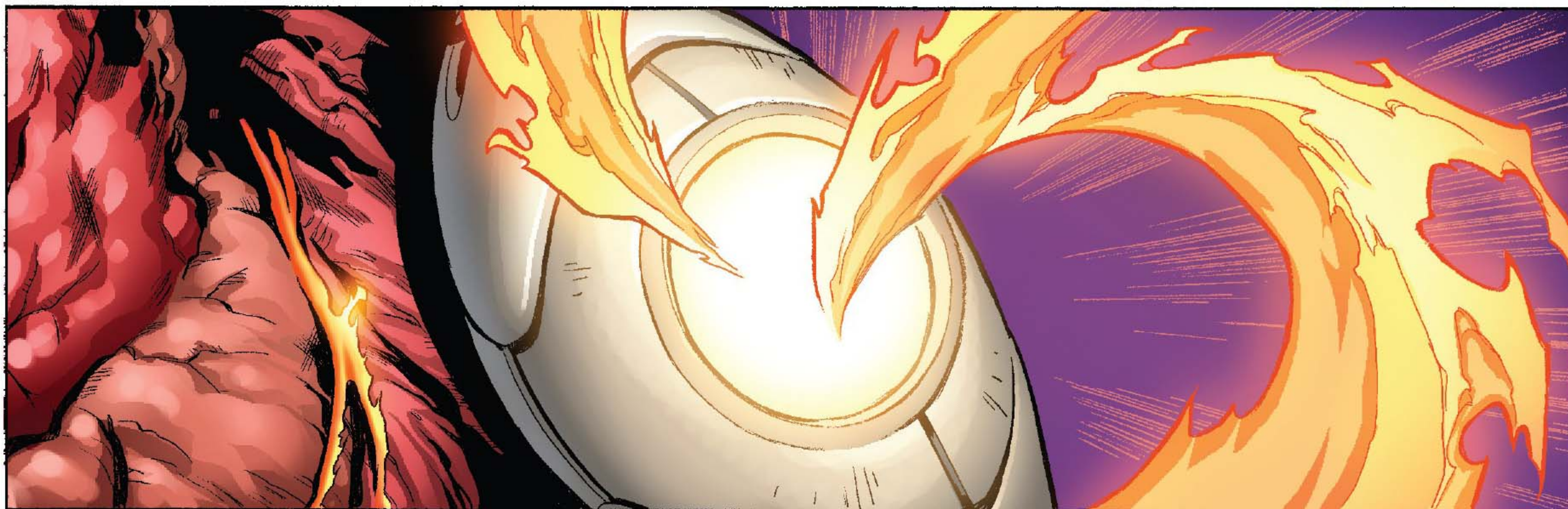
# دومین باری که اسکات سامرز مرد.

چند ماه پیش.\*

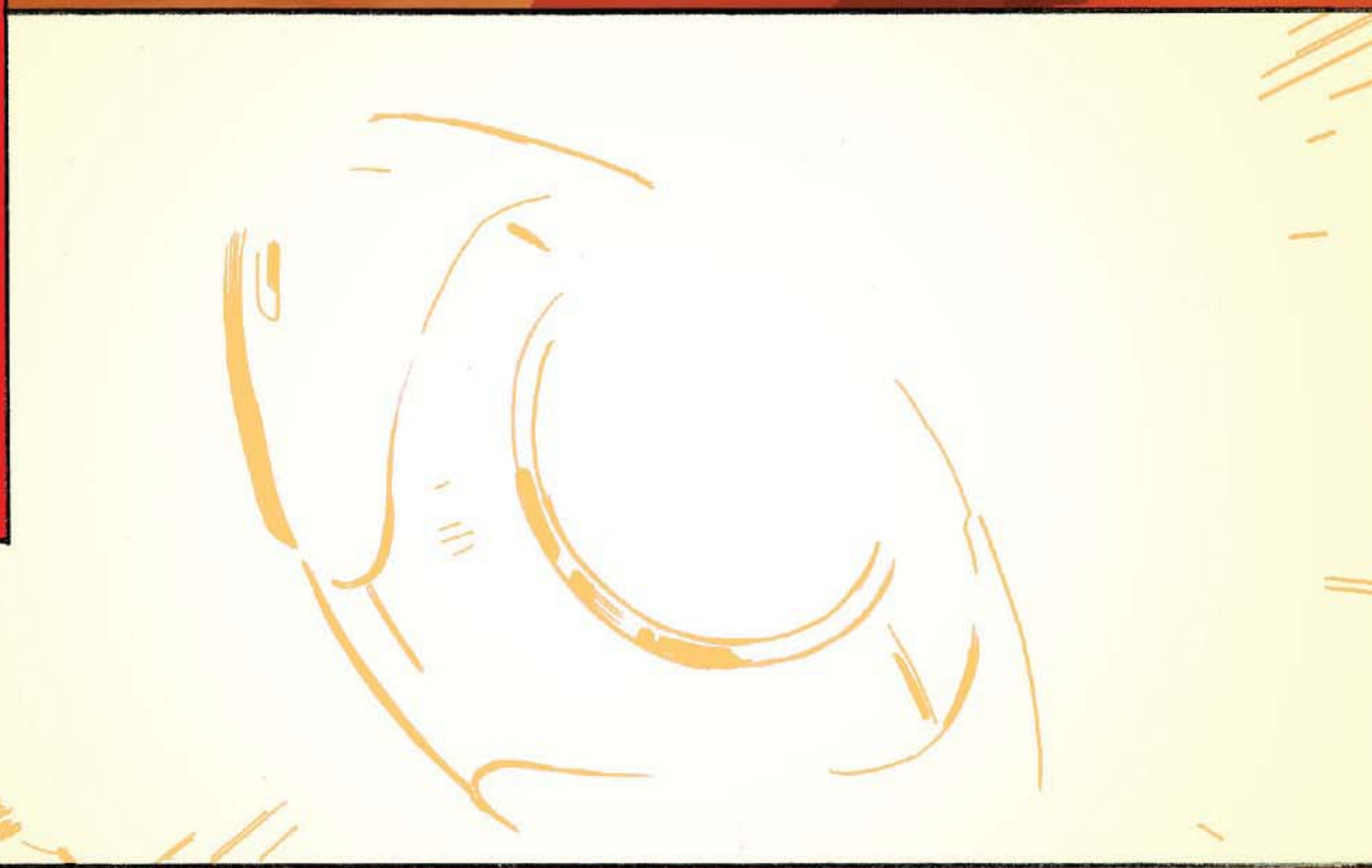
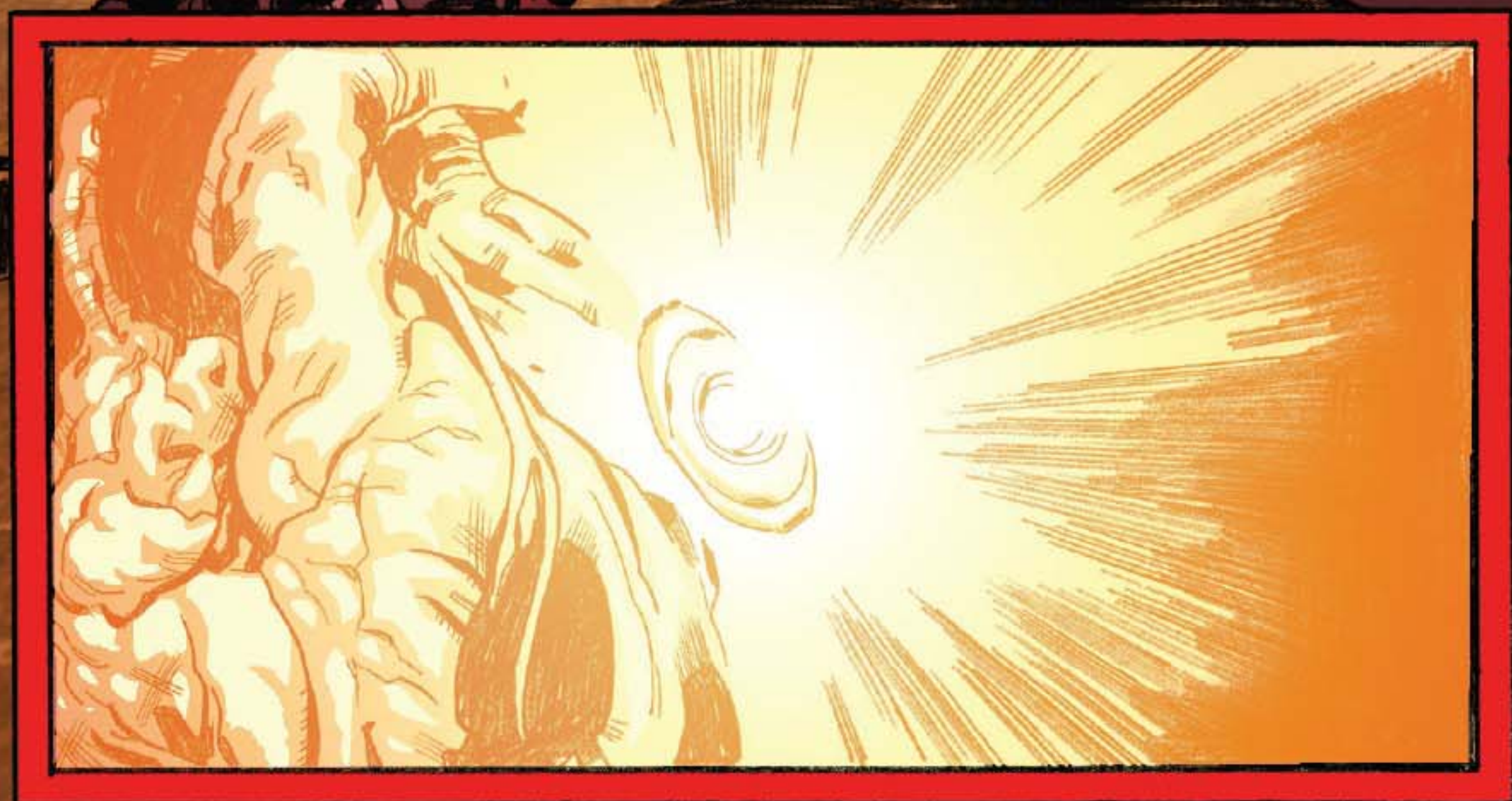
"...تا بخشی از  
نیروی فونیکس از اون  
آزادانه جریان پیدا کنه."

من هر روز  
به تو فکر می کنم.

\*برگرفته از  
رستاخیز فونیکس:  
بازگشت جین گری.



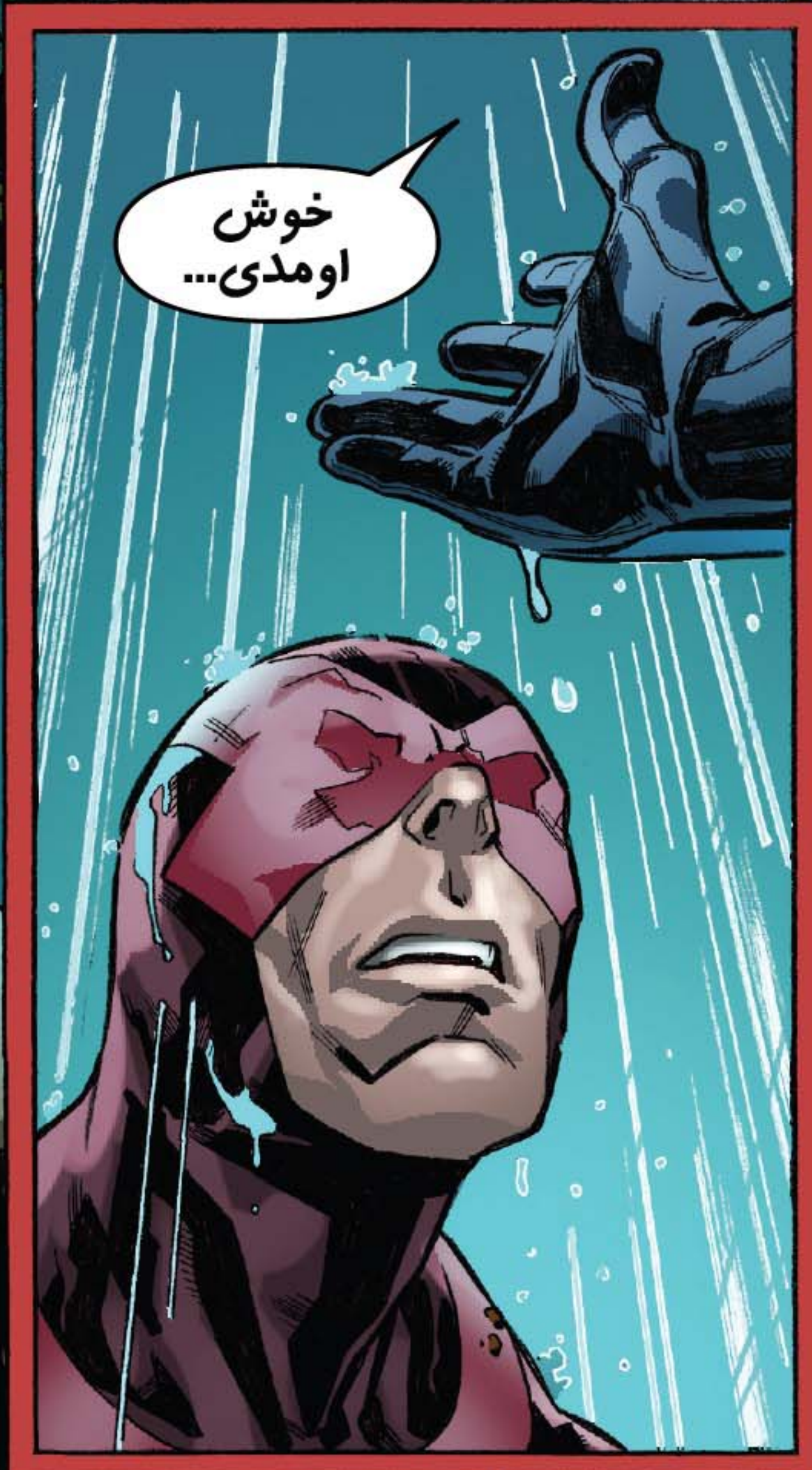








خوش  
اومدی...



پدر...



کییل؟!



قرارگاه کیبل  
یکی از محل های سری







نیروی فونیکس تو رو برگردوند.  
ما تلاش کردیم جین  
رو متقاعد کنیم با اون بمونه.

ولی نیروی جین خیلی زیاد بود.  
اون می دونست که این نیرو به  
اون اجازه نمی ده آزاد بشه.

دورنام  
dorrname.ir

ما به  
ماشین ساختیم، یه  
وسيله كوچك كه از سيم  
پيچ های بينهایت ساخته شده  
بود و طراحی شده بود تا نیروی  
ساطع شده از فونیکس رو  
فیلتر کنه و از این نیرو  
برای شارژ خودش استفاده  
کنه تا...جایی که بتونه  
متمرکز بشه.



اگه ریا نباشه  
باید بگم اقدام  
پرنبوگی بود.

ما این وسیله  
رو ساختیم و  
گذاشتیمش

خوب... گذاشتیم  
در...داخل بدن  
تو...



و...  
بوم...  
تو برگشتی.

به همین  
سادگی.

ممنونم.



فقط  
می خواستم  
بگم...  
ممنونم.

تو چون  
منو نجات دادی  
و ...



من زن  
و بچه دارم.

اگه تو  
منو نجات نداده  
بودی...

دیگه منی  
وجود نداشت  
از اونها حمایت  
کنه.

پسر  
هرگز پدر  
خودشو نمی دید.





یک هفته بعد.

من باید  
برم. باید  
چین رو ببینم.

نمی تونی.

نمی تونی  
منو اینجا کنی  
کیبل.

بایت هر کاری  
برام کردی  
متشکرم.

ولی خیلی  
وقته که من  
اینجا نبودم.

تو هنوز  
آماده نیستی.

آماده  
چی؟

وقتش برسه  
می فهمی.

بعدش من  
برمی گردم.  
تقسیم بدن  
به یک.

لعنتی.

THWUNK



# مرکز اصلاح لنکستر تحت تدابیر شدید امنیتی

## شرلی ماساچوست

یک هفته بعد.

تو الان  
آزادی تاوین.

امیدواریم دیگه  
اینجا نبینیمت.







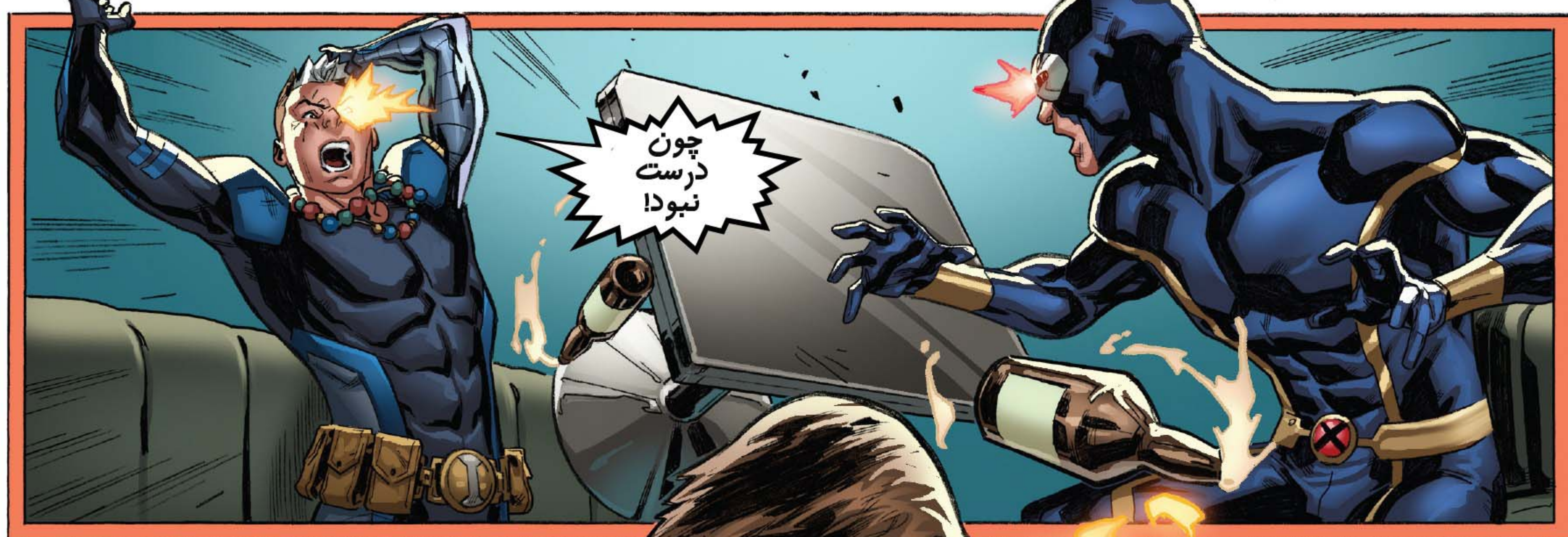
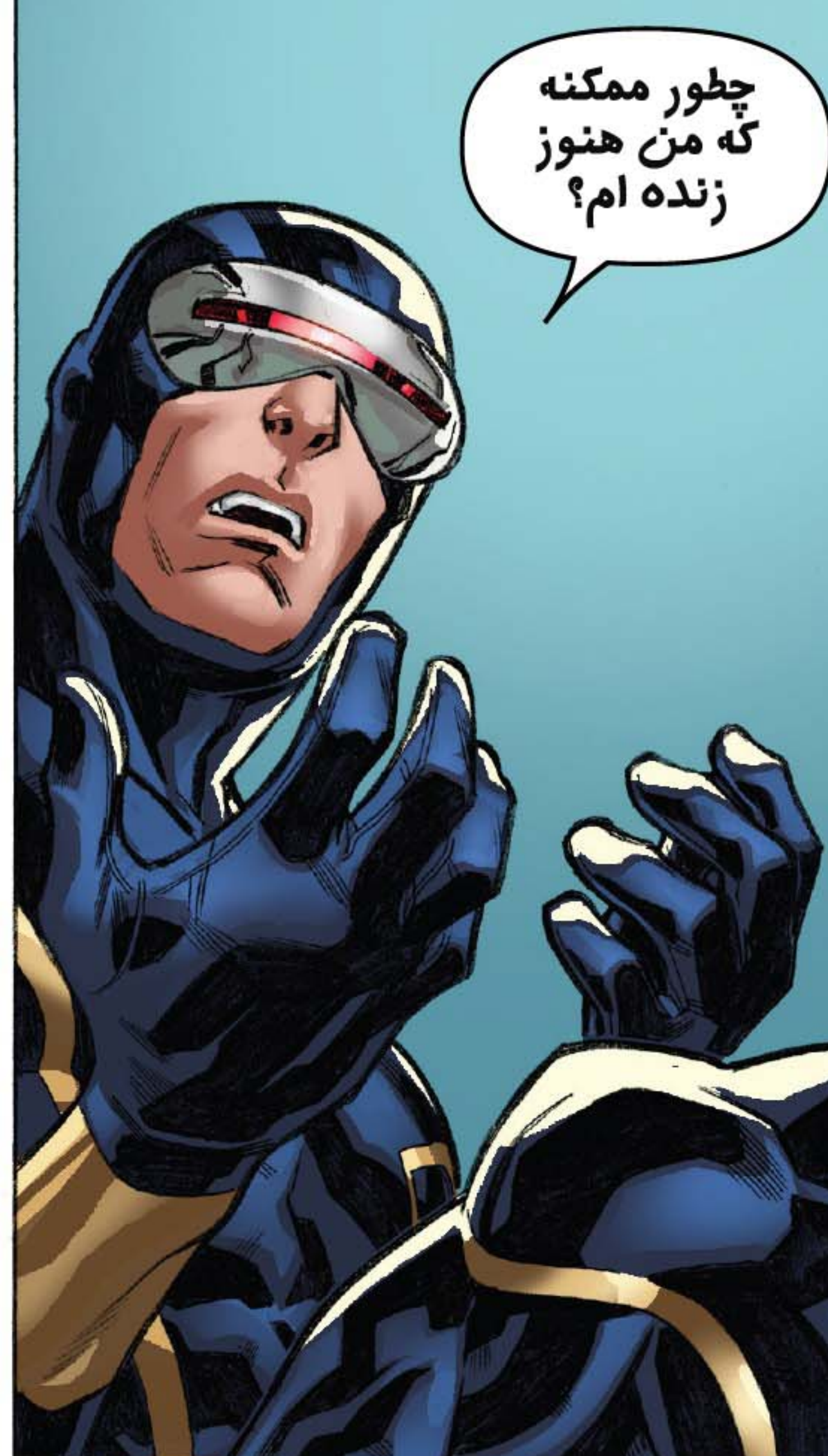
دورنامه  
dornname.ir















حق با  
تونه.

منم اگه  
شانس این رو  
داشتم که فردی رو  
که دوست دارم  
نجات بدم...

...حتماً هر کاری  
از دستم برمی اومد  
انجام می دادم.

و لی تو  
نمی تونی منو اینجا  
نکه داری. چه فایده ای  
داره منو بیاری اینجا  
و زندونیم کنی؟



اون بیرون  
آدمهایی هستند که  
به من نیاز دارند.  
باید بذاری  
برم.



باشه.



ولی...

...اول باید  
یه چیزی رو اثبات  
کنی.



الان ایکس من ها تو  
جزیره ای تو کانادا در حال  
جنگ اند.

اونها در برابر  
بزرگترین تهدیدی  
که تا حالا وجود  
داشته می جنگند.

"اونها به همه  
قوا نیاز  
دارند.

"و اگه شکست  
بخورند، ایکس  
منی وجود  
نخواهد داشت."

ولی تو  
بوستون...

"...یه دیوانه داره نقشه خودش برای انتقام از پاول دوئگ آماده  
می کنه و فکر می کنه هر چی بلا تو زندگی سرش اومده بخاطر  
اون بوده. پاول کسیه که تو رو نجات داد.

نجات یکی  
به معنی شکست  
طرف دومه.

باید  
انتخاب کنی.

نه.

همه  
می میرند.

تو این  
کارو کردی؟!  
انتخاب کن.

چرا...؟

چون باید  
بدونم چطور آدمی  
از اون گور اومده  
بیرون.



من تنها بدنبال  
ایجاد جهانی بودم  
که جهش یافته ها توش  
با آرامش زندگی  
کنند.\*

ولی الان  
می فهمم که  
امکان نداشته...

...که ایکس من ها  
همیشه علاقه داشتند  
و دارند که برای لجبازی  
با صورتشون دماغشون  
رو ببرند.

اینکه شما  
فقط در بحران  
آرامش پیدا  
می کنید.

به شماره ۱۰  
Uncanny X-Men  
مراجعه کنید.

KASHOM

فرار  
کنید!

پدر چی شده؟

هیچی! همه  
چیز درست می شه  
امت. فقط برید  
تو زیرزمین!

سیزده سال!

سیزده سال  
از زندگی و کار  
من از بین رفت  
فقط بخاطر تو.





امت، به  
من گوش  
بده...

ازت می خوام  
مراقب مادرت  
باشی، خوب؟

سعی می کنم  
به بیرون  
بگشمشون.

پدر... نه  
تو نمی تونی.

شجاع  
باش.



باشه.



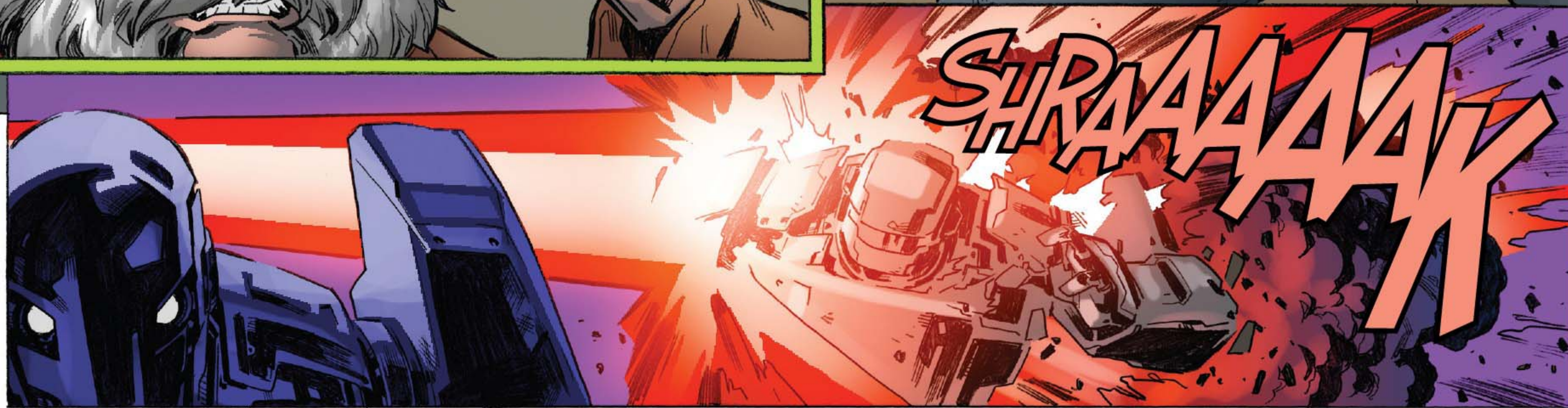
این قضیه  
به خانواده من  
ربطی نداره.

اونها رو  
تنها بذار.

تو تو  
جایگاهی نیستی  
که درخواست کنی  
پاول.

تو خیلی چیزها  
رو ازم دزدیدی.  
منم همین کارو  
باهات می کنم.

مجبورت می کنم  
تماشا کنی. مجبورت  
می کنم بخاطر کاری  
که کردی عذاب  
بکشی.  
ربات ها  
خانوادشو بیارین  
اینجا.







اغراق  
نمی کنم...  
...این کار  
حس خیلی خوبی  
بههم داد.



سایکلوپ ها!

بازم تو.

ربات ها  
حمله کنید!



فکر کردی  
بعد از ۱۳ سال  
می تونی نقطه  
زغفتو پنهان  
کنی.

اوه!



ولی انگار  
بعضی ها قرار  
نیست یاد بگیرند.



من نمی توئم  
باور کنم...

...تو  
دوباره نجاتم  
دادی.



ممنونم.

نه.  
پاول.

من ممنونم  
بخاطر اینکه  
منو برگردوندی.





جنگ ما با  
انتقام جویان. اولین  
مشت به ساحل  
نواخته شد.

چارلز مرد...

...من چارلز  
رو کشتم...

توی  
ساحل.

و حالا  
ایکس من ها بین  
ما نیستند. از  
این ساحل محو  
شدند.

اگر تا زمانی  
که زنده هستم،  
ساحلی نبینم...



من  
عصبانی بودم.

عصبانی چون  
فکر می کردم  
جهش یافته ها در مرز  
نابودی قرار دارند.

عصبانی از اینکه  
جهانی که همه عمرمون  
رو صرف محافظت ازش  
کرده بودیم می تونس  
برای حذف ما نقشه  
بکشه.

بعد از یک عمر  
تلاش برای اثبات اینکه  
ما می تونیم وارد جمع  
اونا بشیم. اینکه جهش یافته ها  
و انسان ها می تونن  
...و باید با هم  
باشند، من ...

...همون کاری رو کردم  
که همه اونهایی که باهاشون  
جنگیده بودم، کرده بودند.

گونه خودمون  
رو برتر از اونها  
دونستم.

من هیولایی  
شدم که ازم وحشت  
داشتند.

اشتباه  
بود.



اشتباه  
کردم.



حالا اونا  
از بین رفتند.

در موردش  
چیکار می خواهی  
بکنی؟



من خوام  
ایکس من ها  
رو پیدا کنم...  
...و همه  
چیزو درست  
کنم.

ادامه دارد!